

# ۴- EEC و مشکل لایخل مازاد ظرفیت فولادسازی

اخیراً "یوروفر" (۱) اعلام نمود که در تلاشهای خود جهت یافتن داوطلبان بیشتری برای اجرای طرح کاهش اختیاری ظرفیت فولاد سازی، با شکست روبرو گردیده است. "یوروفر" در نامه‌ای به آقای "کارل - هاینتز نارجس" - رئیس کمیسیون صنعت "جامعه اقتصادی اروپا" (EEC) - متذکر گردیده است که بدون حمایت سیاسی قادر نخواهد بود تا از میزان ۱۱/۶ میلیون تن مربوط به مرحله دوم برنامه "پیت مارویک"، فراتر رود. آقای "نارجس" نیز تصریح نموده است که مقدار مذکور نا کافی است، چراکه مازاد ظرفیت فولاد سازی "جامعه اقتصادی اروپا" بالغ بر ۳۰ میلیون تن می باشد و از سونتی دیگر طرح "یوروفر" مشکل اساسی مازاد ظرفیت تولید کویل حاصل از نورد گرم را حل نخواهد نمود.

شایان ذکر است، برخلاف آنچه تصور می رود، نامه "یوروفر" بدین معنا نیست که این سازمان از طرح پیشنهادی خود عدول خواهد کرد. مجتمع های فولاد سازی تأکید نموده اند که فقدان حمایت سیاسی موجب می گردد تا آنها نتوانند در مورد کاهش ظرفیت تولید کویل حاصل از نورد گرم به توفیق دست یابند چراکه بیشتر واحدهای تولیدکننده تسمه حاصل از نورد گرم، تحت کنترل دولست قرار گرفته اند.

از طرف دیگر، کمیسیون "EEC" نیز تلاش می نماید تا نیز به کاهش ظرفیت فولاد سازی را به دولت های ذیربط بقبولانند و در این مورد مبادرت به پیشنهاد یک طرح جدید مقابله بایکاری

---

(۱) سازمان تولیدکنندگان فولاد "جامعه اقتصادی اروپا"

افراد شاغل نیز نموده است. لکن مجتمع های فولادسازی اظهار می دارند که با توجه به انجام انتخابات در کشورهای ایتالیا و انگلستان، جو سیاسی موجود برای چنین تصمیمات اساسی مساعد نیست. "یوروفر" همچنین به اطلاع آقای "نارجس" رسانده است که، هنوز تمایل دارد نظام سهمیه های تولیدی برای تعداد هر چه بیشتری از فرآورده های فولاد کماکان باقی بماند. مع هذا آقای "نارجس" شدیداً "مایل است تا هر چه زودتر سهمیه های تولیدی مربوط به مفتول و میلگرد فولادی ملغی شود چرا که بر این عقیده است که، در مورد فرآورده های مذکور دیگر حالت "بحران آشکار" (Manifest Crisis) وجود ندارد. تعدادی از تولیدکنندگان ایتالیائی این موضوع فرآورده های فولاد، بدلیل تداوم برقراری چنین سهمیه های، مبادرت به اقدامات قانونی بر علیه کمیسیون "EEC" نموده اند، حال آنکه این "شورای وزیران" بود که علی رغم توصیه کمیسیون "EEC"، تصمیم گرفت چنین سهمیه های کماکان موجود باشند.

همچنین تداوم شکست در مورد متقاعد ساختن مقامات ذیربط به لزوم کاهش ظرفیتهای تولیدی موجب گردیده تا تجدید نظر درباره نظام سهمیه ها آنهم در مورد فرآورده های تخت و سنگین فولاد با اشکال روبرو شود. لازم به تذکر است که "یوروفر" و کمیسیون "EEC" از ماه مارس در تلاش آنند که مبنای سهمیه های تولیدی - تناژ مرتبط با هر مجتمع - را مورد تجدید نظر قرار دهند. اما بدلیل آنکه مشخص نیست کدا میک از واحدهای تولیدی می باید تعطیل شوند، مشخص ساختن مبنای جدید، کار آسانی نمیباشد. برنامه "یوروفر" پیشنهاد می نماید که تعطیل مجتمع ها بر اساس فروش سهمیه های تولیدی صورت پذیرد، و اگر تعدادی از فرآورده های فولاد از تحت پوشش سهمیه های

تولیدی خارج شوند این امر امکان چنین فروشهای راکاهش می دهد .  
ابعاد مشکلات کمیسیون " EEC " آنچنان وسیع است که  
حصول به یک راه حل اساسی و متفق القول را مشکل می سازد . معذک  
این کمیسیون طرح دیگری پیشنهاد نموده که براساس آن مجتمع های  
فولادسازی می باید برای سهمیه های تولیدی خود جوهی پرداخت  
نمایند که پرداختهای مذکور به صندوقی واریزمی گردد که جهت  
تأمین مالی کاهش ظرفیتهای تولیدی در نظر گرفته شده است . طرح  
مذکور توسط آقای " کارل - هاینتز نارچس " در نشست " شورای وزیران "  
" EEC " در لوکزامبورگ ارائه گردید ، که با مخالفت پاره ای از  
کشورها و مجتمع های فولادسازی نیز روبرو شده است . لازم به تذکر  
است که این طرح در پی شکست " یوروفر " در مورد کاهش ظرفیت فولاد -  
سازی به میزانی مکفی و براساس یک برنامهء داوطلبانه ، ارائه شده  
و بنا به درخواست " شورای وزیران " مبنی بر ارائه طرحی از سوی  
" کمیسیون " جهت کاهش ظرفیت فولادسازی ، تدوین گردیده است .  
از سوی دیگر ، آقای " نارچس " نیز متذکر گردیده است ، که  
تجدید نظر در مورد نظام سهمیه های تولیدی - که کمیسیون امیدوار  
است تا پایان ماه ژوئیه به انجام این مهم مبادرت ورزد - ارتباط  
باز هم بیشتری با فرآیند بازسازی صنعت فولاد خواهد داشت . نظام  
جدید سهمیه های تولیدی ، به فرآورده های تخت فولاد و نیز انواع  
مقاطع سنگین فولادی محدود خواهد بود و در طرحهای مربوط به حذف  
سهمیه بندی مفتول و میلگرد - که قرار است تا پایان سال ۱۹۸۷ صورت  
گیرد - نیز تغییری حاصل نخواهد شد .

نظام جدید سهمیه های تولیدی از دو لحاظ به امر بازسازی  
صنعت فولاد " جامعهء اقتصادی اروپا " یاری خواهد رساند .

در مرحله اول از طریق نظام پرداختها و در مرحله دوم به کمبود در دستور کار قرار دادن اهداف مشخص با زسازی، چرا که تداوم نظام سهمیه بندی ارتباط تنگاتنگی با حصول به اهداف یاد شده خواهد داشت. برای مثال اگر سهمیه های تولیدی برای مدت سه سال حاکم گردند، در صورتیکه هدف کاهش ظرفیت تولیدی - که از پیش تعیین می گردد - برآورده نشود، بعد از انقضای دو سال، از درجه اعتبار ساقط خواهند گشت. این امر بنوبه خود حرکت آزاد نیروهای بازار را سبب می گردد، که می تواند مجتمع های "رقابت پذیر" را از مجتمع های فولاد سازی "غیر قابل رقابت" متمایز سازد.

بطور کلی، طرح سهمیه به زای پرداخت، مراحل ذیل را طی می کند: کمیسیون در حال حاضر مشغول تجدیدنظر بر روی نظام سهمیه های تولیدی آنها مبتنی بر معیارهای تجدید نظر شده ای است که می باید راحت تر و مشخص تر باشند. به هر مجتمع فولاد سازی، سهمیه ای با تناژ مشخص تعلق می گیرد که ۷۵ درصد این تناژ بطور خودکار اعطاء می شود. در صورتیکه تولید کننده ای سهمیه ای بیش از ۷۵ درصد اختصاص یافته طلب کند، می بایستی در زای آن وجهی بپردازد. وجوه پرداخت شده توسط مجتمع های فولاد سازی همراه با اعانات "جامعه اقتصادی اروپا" و نیز دولتها عضو، جمعا "صرف تأمین مالی کارآموزی مجدد و نیز هزینه های مرتبط با تعطیل واحدهای تولیدی خواهد گردید.

وزرای مربوطه هنوز در مورد این پیشنهاد کمیسیون "EEC"

اظهار نظر مشخص و دقیق ارائه نکرده اند، لکن بر این تأکید دارند که تعطیل مجتمع ها و کاهش ظرفیت فولاد سازی نباید موجب لطمه زدن به آندسته از مجتمع های که هم اکنون مجدداً "به مرحله سودآوری" آنها رسیده اند. اعتقاد بر این است که مجتمع های فولاد سازی

انگلستان و هلند با طرح سهمیه به ازای پرداخت، مخالف می باشند زیرا آنها بر این عقیده اند که با زسازی صنعت فولاد خود را به انجام رسانده اند. بنا بر این نباید بخاطر کندروی دیگر مجتمع های فولادسازی، به نوعی جریمه (پرداختهای نقدی) بپردازند. همچنین "اتحادیه مستقل تولیدکنندگان فولاد اروپا"<sup>(۱)</sup> نیز با چنین طرحی مخالف است و دلیل این مخالفت را نیز صرفاً کامل وجوه خود در امر منطقی ترک کردن مقیاس تولید ذکر می نماید و تصریح می کند که مسئول تأمین مالی کاهش ظرفیت فولادسازی مجتمع های برخوردار از کمک های دولتی نیست.

قرار است که کمیسیون "جامعه اقتصادی اروپا" تا پایان ماه ژوئیه مبادرت به ترسیم جزئیات طرح مربوطه نماید و شورای وزیران نیز در تاریخ ۲۱ سپتامبر تشکیل جلسه خواهد داد تا به جزئیات مربوطه رسیدگی نماید. همچنین بنظر می رسد که نظام تجدیدنظرشده سهمیه های تولیدی از اول اکتبر لازم الاجراء گردد، لکن تاریخ اول ژانویه ۱۹۸۸ احتمالاً به واقعیت نزدیکتر خواهد بود.

در این میان "یوروفر" و تعداد دیگری از اتحادیه های مرتبط با مجتمع های فولادسازی همچنان تلاش بعمل می آورند تا از آزادسازی بیشتر نظام سهمیه های تولیدی، ممانعت بعمل آید. "یوروفر" خاطر نشان می سازد که از ۱۵ میلیون تن کاهش بالقوه ظرفیت تولیدی، حدود ۸ میلیون تن در زمینه انواع سیم، میل و میلگرد است که "کمیسیون" پیشنهاد آزادسازی فرآورده های مذکور را از چارچوب سهمیه های تولیدی ارائه نموده است. بنا بر این اگر سهمیه های تولیدی لغو شوند دیگر امکان نخواهد داشت همچنانکه "یوروفر" برنامه ریزی

---

(1): "European Independent Steelworks' Assn."

نموده است به کمک انتقال سهمیه های تولیدی مبادرت به کاهش ظرفیت فولادسازی نمود.

شایان توجه است، که در نشست سالانه "فدراسیون فولاد ایتالیا" (Assider) - که بتازگی صورت گرفت - پیشنهاد آقای "نارجس" مبنی بر حذف سهمیه های تولیدی، با مخالفت اعضای این اتحادیه روبرو گردید. در این رابطه آقای "آداموآدانی" - رئیس این اتحادیه - متذکر گردید که بازسازی بیشتری در مورد صنعت فولاد لازم و ضروری است، لکن این امر در صورتی موفقیت آمیز خواهد بود که تدابیر جاری مرتبط با کنترل میزان تولید و نیز حفظ این صنعت در مقابل هجوم واردات، بدون کم و کاست باقی بماند. در غیر - این صورت، بحران حاکم عمیق تر خواهد شد و یک "جنگ تجاری" اشاعه خواهد یافت.

از سوی دیگر "فدراسیون فولاد بلژیک" نیز با حذف سهمیه - های تولیدی مخالفت نموده است. اتحادیه مذکور که به نام "Groupement de la Siderurgie Belge" خوانده می شود در گزارش سالانه خود خاطر نشان ساخته است که نظام سهمیه بندی می باید تا چندین سال دیگر تداوم داشته باشد، چرا که بازار فولاد بقدر کافی جهت شتاب بخشیدن به امر کاهش محدودیتهای مربوطه - شایان توجه نیست. جهت کاهش شدت رقابت می باید به نظام سهمیه بندی متوسل گردید چرا که در غیر این صورت بدلیل شکاف زیاد ما بین عرضه و تقاضا، رقابت، بسیار "مخرب" خواهد بود.

اتحادیه نامبرده تصریح می نماید که در دوره جدید کاهش ظرفیتهای تولیدی نباید از صنعت فولاد بلژیک درخواست گردد که با زهم فداکاریهای بیشتری بعمل آورد چرا که بنظر می رسد تاکنون بقدر کافی در این حیطة ایثار نموده باشد.

با نگاهی به وضعیت صنعت فولاد بلژیک آنهم در سال ۱۹۸۶، می توان دریافت، که چرادست اندرکاران این صنعت مايلند تا نظام سهمیه‌های تولیدی همچنان بدون هیچ کم وکاست باقی بماند. در سال ۱۹۸۶، میزان تحویل فرآورده‌های نوردشده فولاد بلژیک حدوداً "۹/۲ درصد کاهش یافت که برطبق اعلام اتحادیه "Groupement de la Siderurgie Belge"، دلایل آن همانا کاهش سطح تقاضا برای فولاد، رقابت شدید و افزایش میزان واردات فولاد اروپا بوده است. آقای " کریستین اوری " - رئیس این اتحادیه - متذکر می گردد که زمانه برای شتاب بخشیدن به حذف محدودیتهای مرتبط با با زار فولاد اروپا، مناسب نیست. در نتیجه، همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، می باید برای چند سال دیگر نیز نظام سهمیه بندی، برقرار باشد.

وی می افزاید، با توجه به اینکه تا سال ۱۹۹۰ میزان مازاد ظرفیت نورد گرم کشورهای " جامعه اقتصادی اروپا " به ۳۰ میلیون تن بالغ خواهد گشت، در نتیجه، چنین بنظر می رسد که سرنوشت صنعت فولاد اروپا، هم در میان مدت و هم در بلند مدت، کوچک تر شدن ابعاد آن و بازگشت به دریافت کمکهای دولتی آنهم جهت بازسازیهای جدید باشد. از سوئی دیگر، صنعت فولاد بلژیک آنچنان فداکاریهای زیادی در زمینه کاهش ظرفیت تولیدی نشان داده است که درخواست فداکاریهای بیشتری در زمینه کاهش با زهم بیشتر ظرفیت تولیدی، غیرموجه می نماید.

گزارش مذکور اعلام می دارد که صنعت فولاد بلژیک درگیر فشارهای حاصله از هزینه‌ها و سطح قیمتهاست چرا که در این کشور بهای گاز و برق در مقایسه با سایر کشورهای اروپائی، در حد بالائی بوده

و خود مانع و رادعی محسوب می شود. نیروی شاغل در این صنعت نیز از سال ۱۹۸۵ تا کنون حدوداً " ۱۲/۴ درصد کاهش یافته و از ۳۷۲۰۰ نفر به ۳۲۶۰۰ نفر تنزل یافته است.

همچنانکه قبلاً نیز ذکر آن رفت، " اتحادیه مستقبل تولیدکنندگان فولاد اروپا " ( EISA ) نیز شدیداً با طرح فروش سهمیه‌های تولیدی بعنوان مبنائی جهت کاهش ظرفیت فولادسازی صنعت فولاد اروپا مخالف است و برایین عقیده است که تعطیل مجتمع‌های تولیدی می باید در راستای تأمین منافع تمامی تولیدکنندگان فولاد صورت پذیرد و کمکهای مالی نیز هرچه سریعتر بمنظور رفع مشکل ما زاد ظرفیت فولاد سازی، تخصیص یابد.

اتحادیه " EISA "، علاوه بر انتقاد از طرح فروش سهمیه‌های تولیدی، تأکید بر آن دارد که آندسته از مجتمع‌های فولادسازی که با مشکلاتی روبرو بوده و ورشکست اعلام گردیده‌اند نیز نباید تحت تملک دیگر شرکتها قرار گرفته و با نظارت آنها به فعالیت مشغول گردند. همچنین، نباید اجازه داده شود تا تداوم فعالیت چنین مجتمع‌هایی منوط به دخالت دولت در مدیریت این واحدها باشد. اتحادیه مذکور برایین اعتقاد است که تنها چاره حل مشکلات مبتلابه، همانا عدم دخالت کامل در بازار فولاد اروپا است. دست اندرکاران این اتحادیه متذکرمی گردند که در تمام سالهای "بحران آشکار" صنعت فولاد اروپا، برقراری سهمیه‌ها، پرداخت کمکهای دولتی و سوبسیدها تأثیر چندانی بر امر بازسازی صنعت فولاد اروپا اعمال ننموده و وضعیت مالی آندسته از مجتمع‌های برخوردار از بیشترین کمکهای دولتی، همچنان نگران کننده باقی مانده است.

"فدراسیون فولاد آلمان غربی" نیز از نظرات اتحادیه

" EISA " در مورد پرداخت کمکهای دولتی، حمایت نموده، لکن معتقد است که لاقبل برای سه سال آینده می باید یک نظام سهمیه بندی مؤثر و همه جا نبه جا یگزین نظام سهمیه بندی موجود گردد تا با زسازی صنعت فولاد اروپا، شتاب بیشتری بگیرد. می باید مجتمع های فولاد سازی قادر باشند تا سهمیه های تولیدی خود را به فروش رسانند و از این طریق سرمایه کافی جهت کاهش مازاد ظرفیت تولیدی را فراهم سازند. "فدراسیون فولاد آلمان غربی" خاطر نشان می سازد که علی رغم اعلام اخیر "شورای وزیران"، هنوز هم به پاره ای از مجتمع های فولاد سازی، سوبسیدهای زیادی تعلق می گیرد. در این میان صنعت فولاد فرانسه در سال ۱۹۸۶ با زسازی برابر با ۴ میلیارد مارک (آلمان غربی) مواجه بوده و صنایع فولاد کشورهای ایالتلیا و بلژیک نیز همچنان ضرر می دهند. مسئله این است که زسازی نه ای مذکور می باید از چه کانسالی پرداخت و جبران گردد.

همچنانکه ملاحظه گردید، تشتت آراء و عقاید در بین دست اندرکاران صنعت فولاد اروپا به مقیاسی است که رسیدن به یک راه حل اساسی و همه جا نبه را امری مشکل و بل دیرباب و پرهزینه می سازد. تضاد منافع آنچنان است که نفع گروهی منجر به زیان گروهی دیگر می شود و رضایت عده ای موجب عدم رضایت مندی سایرین را فراهم می سازد. حال می باید منتظر ماند و شاهد بود که "جامعه اقتصادی اروپا" چگونه و با چه هزینه ای به حل مسائل و مشکلات مبتلا به صنعت فولاد نائل می شود و به چه طریق منافع متضاد گروهها را تأمین خواهد کرد.

1: Metal Bulletin, May 19, 1987, P.23.

مآخذ:

2: Metal Bulletin, May 22, 1987, P.25.

3: Metal Bulletin, June 5, 1987, PP.35,37.

4: Metal Bulletin, June 12, 1987, P.25.